

۲۰۱۲/۰۷/۱۷

عبدالحمید سامع

طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد!

(قسمت ششم)

در رابطه با یکی از عکس های روز اول اشغال یا دخول «طالبان» به شهر کابل، که در قسمت پنجم در رابطه با دو شخص رهبری این قوت «جنبش طالب» تازه وارد، تذکر بعمل آمده است، مکرراً برسم تکرار احسن، تذکر داده می شود، که در قدم اول آن هر دو را از جمله اعضای شورای رهبری «ملاها»، نام داده بودند. شخص اول قدرت «ورودی» در کابل، در همان روز، عدم رضایت خود را با «اخذ عکس» با قرار دادن دست، در برابر «کمراه» نشان داده است. با این عکس العمل توجه جهان را بخود جلب نمود. البته قبلاً هم تا حدی اطلاعاتی موجود بوده است که گویا، «شخص اول» این «جنبش»، بنام «ملا محمد عمر» که در قندهار «مقر» اختیار نموده بود، همچنان «مخالف گرفتن عکس» زنده جان بوده است، چه آنکه «انسان» باشد. بعضاً حکایت می شد، که گویا کسیکه عکس تهیه می کند، تولید او «تصویر انسان بدون روح است، روح بخشیدن در قدرت خداوند است.» ممکن با آن چنین استدلال ها، می کوشیده اند، تا جلوگیری از پخش وسیع عکس های افراد «مهم رهبری» این «جنبش» صورت گیرد.

در آن لحظه ورود به کابل همین «ملا محمد ربانی» مقام معادل «صدر اعظم» را از جانب «شورای قندهار»، بدوش داشته است. از عکس العمل او چنین انتباه حاصل می گردد، که گویا، عکس را در «اسلام ممنوع» می شمرده اند، ولی مدتی بعد، در قسمت بعدی همین مطلب عکس های دیگر وی منجمه از جریان «سفرش» به پاکستان از نظر می گذاریم. از جانب دیگر، قرار اظهارات بعضی از آگاهان، در گذشته زمانیکه در تنظیم «جمعیت اسلامی» تحت رهبری برهان الدین ربانی، عضویت داشته است، از این رسم و قیادت پیروی نمی نموده است.

در زمان حاکمیت همین دو شخص بالا رتبه «طالبان»، در کابل و صفحات مجلات روزنامه های بین المللی، بمثابة مرکز توجه قرار گرفته بود، که در قسمت پنجم، بخشی از نمایشات آنها را مشاهده نمودیم. با مروری بر صفحات روزنامه ها و مجلات، چنین تصویری ایجاد شده می تواند، که بعضی از «افراد» مربوط «جنبش»، در پهلوی اجساد بر دار آویخته، ممکن «عکس های یادگاری» گرفته باشند. در هر نشریه افراد ماحول، با عکس العمل های متفاوت بمشاهده می رسد. اینکه «رهبری» این جنبش، خود درین «نمایش» چه نقشی داشته، یا اینکه چه حاصلی را با کدام نوع رضایت «پیروان» خود همچنان سنجیده بوده باشند و یا در انتظار آن مانده باشند، معلوم نیست.

در کشور بحران زده افغانستان، تا حدی قابل «فهم» است، که در همچو صحنه ها، ممکن عده خوش شوند و به «پایکوبی» بپردازند، و عده ممکن «متأثر» و آنرا عما «نا شایسته، غیر مشروع» و «نا بخشودنی» بدانند. هدف نویسنده، قضاوت و بر رسی این واقعه نیست. از جانب دیگر، موضوع ارزیابی سیاست «طالب» و این افراد مسلح جدید هم نیست. فقط خواستم، درین رابطه، عکس العمل های برخی از نشرات خارجی، را با اظهارات احتمالی سیاستمداران آنها، بطور نمونه تذکار دهم. در نخستین لحظات، یکی از وکلای پارلمان آلمان فدرال، عضو حزب «دیموکرات مسیحی» بنام «یورگن تودن هوفر» (J. Todenhöfer)، که در دهه هشتاد، از «مقاوت افغانها» علیه قوای شوروی حمایت می نمود، این عمل را آنچه دانسته است که در فوق تذکار یافته است، بدین معنی که «اعدام بدون محکمه» برای آنها، مورد تأیید نمی باشد. در تربیت اجتماعی این کشور ها، تفهیم قانون و اینکه انسان باید از «کینه توزی» دوری جوید، احساسات خود را هم کنترل نموده بتواند، جای خاصی را اشغال نموده است.

در مجامع بین المللی، و برخی از کشور هائیکه در آنها «نظام های حقوقی» مسلط اند، این چنین عمل و برخورد در برابر «انسان» را «بدون محاکمه مجازات کردن یا کشتن (توسط جماعت)، در کوچه و بازار گرداندن و مجازات کردن...» یعنی «لونچ» (Lynch) می نامند. وقتی عنوان، «طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد!» را نوشتیم، هنوز وقوع حوادث «کرونولوژیک»، «چهره ها» و «مشی سیاسی» و طرز «تفکر» رهبریان «جنبش»، به خوبی روشن نبوده است. قسمت اول را، از زمان «قبل از بحران» از تی دل آنچه را روی کاغذ آوردیم، که از همان دوران طفولیت و نوجوانی بیاد داشته ام.

با این نمایش، وقتی باشندگان شهر کابل و «جهانیان» دیدند، حتماً فارغ از ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه نبوده است. درین رابطه، که می تواند نمایانگر انتظار مردم، ازین «قوت نو» بوده باشد، روزنامه آلمانی زبان

دپانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

«فرانکفورتر الکیمانه سائتوینگ» علاوه از آنکه در آن روزها، فقط از مراکز قدرت «دوستم» و «طالبان» خبرمنتشر می ساخته اند، بتاريخ اول اکتوبر، قریب سه روز بعد از دخول «طالبان»، ضمن آنکه از آمادگی «ترکیه» برای «میانجیگری» نیز، اطلاع می دهد، در همین روز های عقب نشینی قوای مسعود، به دره پنجشیر، در کمترین روز ها، از **فرار ۲۵۰۰۰۰ باشنده کابل تنها**، بسوی شمال گزارش میدهد. این هم علامت خوبی، برای اعتبار «طالبان» و اعتماد مردم به سیاست درست آینده در کشور ویران، شمرده شده نمی تواند.

در مفهوم «... چه شد...»، هدف را مطالعه و مشاهده «عمل این «جنبش»» از خلال مطبوعات هدف انتخاب نمودم. وقتی در ترکیب این «شاگردان» و نقش آنها را در نظر بگیریم، خیلی سطحی فکرانه خواهد بود، که همه «مفکوره ها» و اعمال را، به پای این گروه «مؤقت» اجتماعی ختم نمود، و «تنفر و انزجار» احتمالی را در تاریخ، به این نام ختم کرد. مطالعات عمیق باید در جهت نجات «طالب» ازین «خندق» انجام یابد.

یکبار دیگر نظر شخصی خود را حضور خوانندگان محترم، در رابطه با ترکیب مفاهیم شامل عنوان، بعرض می رسانم که وقایع بعدی، پس از قسمت های مقدماتی در باره «طالب» جز جامعه ما، چون با فعالیتهای نظامی – سیاسی ارتباط می گیرد، بناءً باید توجه نمود که از دید سیاسی – نظامی مطالعه و قضاوت شود. در همچو رابط، کمبود «حقایق»، فقط قسماً تصویری، از وقوع حوادث «کرونولوژیک» ممکن تاحدی حاصل گردد. در مرحله اول، یعنی تسلط «طالبان» در قسمتی از «قلمرو»، بصورت نسبی، مسیر «سیاسی-ایدیولوژیک» تعقیب شده می توانست. انکشافات بعدی خاصاً پس از سال ۱۹۹۸ تاحدی «بغرنجی» را بوجود آورده است، که امکان دید روشن، از ماهیت «سیاسی-اجتماعی» این «جنبش» را دشوار می سازد. این مرحله ایست، که «اعمال تروریستی» علیه «سفارت های اضلاع متحده امریکا» در افریقا و سائر مراکز در دیگر نقاط در داخل و خارج آنکشور، صورت گرفت، مقامات امریکائی، «طراحان» رادر ساحه «تحت کنترل جنبش طالبان» در افغانستان، مدعی گردیدند. از آن وقت، ببعد «مقامات رسمی» واشنگتن، به تقاضا ها و اعتراضات، علیه سیاست طالبان، آغاز نمودند عاری از احتمال نیست که این فضا بنفع، مخالفین آنها در عرصه مناسبات بین المللی تمام شده باشد. عامل اساسی، هم تعیین «مشی داخلی» و هم «شایعات» مبنی بر روابط این «جنبش» با «سازمان القاعد»، قابل ذکر است، که باید باعث خرابی روابط رهبران آن با اضلاع متحده امریکا و سائر کشور های غربی گردیده باشد. از آن سال ببعد، تمایلات «افراطی» در موضعگیری های، این «جنبش» روز تا روز شدت بیشتر کسب می نمود، که بعداً نمونه هائی را بیان خواهیم نمود.

حال باز بر می گردیم به نمونه های متعدد دیگری از عکس های «طالب» «جنگی»، و از نظرمی گذرانیم، ممکن است هر انسان افغان شناس، متوجه این امر گردد، که طراحان و معماران احتمالی این «حرکت» فقط باید نام «تصنعی» طالب را بخاطر پوشش انتخاب نموده، باشند. از جانب دیگر ممکن با نشر این نوع عکس ها، همچنان



هدفی نهفته بوده باد، تا به این حرکت، علاوه از «مدارس دینی»، مناطق و ریشه های «فرهنگی» و «اینتی» را نیز اشاره نمایند. در همین دو عکس که روی و رخ چهار چهره دیده میشود، فقط ریش «وجهه مشترک» با «طالب و ملا»، ممکن پذیرفته شود. اما بستن «لنگی» و رنگ لنگی و «چهره ها» با آن گروه، زیاد مطابقت داشته نمی تواند. این عکس ها در طی سالها، در صفحات روزنامه ها، بکار برده شده اند. اینکه تا چه حد هم با «جنبش ربطی داشته بوده باشد، تنها از روی عکس نمی توان دانست. این حقیقت را کسی ممکن تا یک اندازه بداند، که خود اولین مرتبه، در تهیه چنین عکس اقدام کرده باشد. در «پرنسیپ» مهم نیست که چه چهره ها، با چه ترکیب در صحنه سیاسی قدم بر می دارند. مهم اینست که چه نوع قدم بر می دارند و این قدم ها را برای کدام هدف اجتماعی و حیات انسانی بر می دارند. درین سالهای «بحرانی» هر یک از رهبران گروه های مسلح، خود را «مالک» بلا متنازع این ملک دانسته و می دانند، هر چه خواستند، برین کشور و مردم آوردند، اگر وضع چنین دوام کند، به عادت خود ها ادامه خواهند داد. وقتی از «گروه های مسلح» نام می برم، هدف تنها «طالب» نه، بلکه هدف همه آنهاست. درد آور برای یک جامعه می تواند، آنچه باشد، که از معتقدات مذهبی و رسوم عادات و فرهنگ دیرینه، جهت رسیدن به هدف، از جانب قدرت های معین، آنها «بیگانه» ازین وطن «ویران» با دستهای مرموز کار گرفته شود. احتمال دارد که زیر همچو پوششهای «فریبنده»، اجیران و «مزدوران» و «جعلکاران حرفوی» هم استخدام گردند، ممکن مردم وقتی درک نمایند، که به اصطلاح کار از کار تیر شده باشد.

سالهای بعد از اشغال کابل که «قوای طالب» در حقیقت بدون جنگ، داخل شهر کابل گردیده بودند، زیرا قوای «دولتی» و واحد های مسلح «شورای نظار، احمد شاه مسعود»، با متحدین و مخالفین نو و کهنه «حاکمیت برهان الدین ربانی»، قبلاً شهر پایتخت ویران را تخلیه و به دره پنجشیر عقب نشینی نموده بودند.



Verschleierte im kriegszerstörten Kabul: Verordnungen der Radikalsiamisten wie Todesurteile für Frauen

180 DER SPIEGEL 41/1996

Frankfurter Allgemeine Zeitung



In Kabul herrscht nach der Machtübernahme der Taliban bedrückende Normalität.

چون در قسمت قبلی، به نسبت مشکل در «کمپیوتر»، این عکس به نمایش گذاشته شده نتوانست، با عرض معذرت، خواستم، جهت سهولت از تکرار احسن استفاده نمایم. قابل تذکر می دانم، که یکی از فرق های لحظه ورود «طالبان» مسلح به کابل، با ورود گروپ های قبلی درین است، که برای این گروپ چیز مادی، با قیمت که به «چور» ارزش می داشت باقی نمانده بود. به عکس فوق توجه شود. امید است، در معرفی صحنه های دلخراش کابل زیبا، همین عکس هم بحدیث مشت نمونه «خروار» تصویری را در ذهن خوانندگان محترم ایجاد کرده بتواند. عکس نمونوی دیگری را که در روزنامه «فرانکفورتر الگیماینه ساتنگ» مؤرخ اکتوبر ۱۹۹۶ به نشر سپرد شده است، گزارشگر توانسته است، با استفاده از متن کوتاهی که به این ارتباط نوشته است، مفهوم و تصویر عمیق تری را انتقال دهد. در همین شماره همچنان تذکر رفته است، که در رابطه با جنگ های اخیر، از شورای امنیت سازمان ملل متحد تقاضا بعمل آمده است، تا در قطع فوری جنگ، اقدام نماید. در پای همین عکس می نویسد: «در کابل بعد از گرفتن قدرت توسط طالبان، یک حالت نورمال فشار دهنده مسلط است.»

همین مجله در شماره ۴۱ آن، که با روز های اول ورود طالبان مطابقت داشته است، در صفحه ۱۸۰ با نشر عکس، در تحت عنوان فوقانی: «**صلح بدون آزادی**» می نویسد: «طالبان، جنگی های افراطیون اسلامی، کابل را فتح نمودند و سیستم حقوقی و طرز زندگی بنیادگرائی را تطبیق نموده اند: سنگسار نمودن، بریدن دست دزدان، شلاق زنی و لت و کوب علنی. به بدترین وضع زنان زیر ظلم و ستم قرار می گیرند.»

در جمله گزارشات روز های اول همچنان می خوانیم: «داکتر رشیده، از روز ها، بدینسو سر کار دیده نشده است. با وجود آنکه باید بیم از آن نداشته باشد، که در اثر فیر راکت و مرمی، خطری متوجه او باشد.» در پای عکس می خوانیم: «زنان پوشیده با چادری، در شهر ویران از اثر جنگ: اوامر و دستایر افراطیون اسلامی، برای خانم ها همانند حکم اعدام است.»

در جبهات جنگ داخلی، طوریکه قبلا نیز در وقفه های مختلف تذکراتی بعمل آمده است، در نتیجه پیشرفت «طالبان» و بخصوص ورود آنها به کابل، بار دیگر، «اتحاد» جدیدی بوجود آمد. گلبدین حکمتیار بطور نمونه، که از سال ۱۹۹۲ تبعید، و بخصوص پس از جنوری ۱۹۹۴، زمانیکه در «اتحاد» با «جنرال عبدالرشید دوستم»، «جنرال رژیمن کمنیست»، علیه حکومت برهان الدین ربانی در جنگ بوده است و قسمت اعظم ویرانی های کابل را می توان بحساب آنها دانست، در شکست ها و عقب نشینی هایش، در برابر «طالبان»، از مواضع مقر وی در «چهار آسیاب» و سروبی منجمله، «شهرت و جلال» قبلی و نام و نشان خود را باید، در درجه «موزیم افراطیون جنگ سالار»، می گذاشت. در تحت فشار و واهمه «طالبان» و یا ممکن بهدایت، حامیانش، دست دوستی با

«متخاصمین» قبلی خود، دراز کرده باشد، ترکیب های جدید، در اتحاد های جنگ داخلی، بوجود آمد. تداوم جنگ داخلی، بار دیگر بمدت نا معلوم به درزا کشیده شد.

در قسمت قبلی از نظر گذرانیم که «نیرو جنگی شاگردان مدارس دینی» را، به گفته منابع نشراتی غربی «شاگردان مکاتب قرآن» که «طالبان» نامیده شده بودند، الی زمان، اشغال کابل ۲۵۰۰۰ مرد مسلح یاد کرده اند. تنها «قوت کمی»، عبدالرشید دوستم را که در «سالنگ» سنگر انتخاب نموده بود ۴۰۰۰۰ قلمداد کرده اند. گفته می شد که در عین حال شش ولایت را هم زیر اثر خود درآورده بود. از «کمیت جنگی» های حکومت، شورای نظار، عبدالرب رسول سیاف، گلبدین حکمتیار، حزب وحدت و غیره، اطلاعی بدست نشر سپرده نشده بود.



Taliban-Milizen auf dem Weg in das Pandschir-Tal im Nordosten Afghanistans
Foto Reuters

منابع خبری، گزارش می دادند، که «طالبان» مستقیماً بعد از دخول به کابل، به تعقیب قوای مسعود بسوی دره پنجشیر شتافتند. (عکس سمت چپ) روزنامه معتبر «فرانکفورتر الگیمان» سابتونگ»، بتاريخ 5 اکتوبر 1996، گزارشی را با ضم نشر این عکس، منتشر می سازد: درین گزارش تذکر داده می شود، زمانیکه «طالبان» وارد کابل می شوند، گویا پاکستان به «طالبان» توصیه، برخورد «اعتدال» نموده است. اما اثری از اعتدال وجود نداشته است.

قابل توجه است، که در آغاز گزارشات مطبوعاتی، چنان انتباهی را به جهانیان پخش نموده بودند، که ان «نیروهای جنگی نو»، همه ضروریات افراد خود را تا هر اندازه که بخواهند، از همان «مدارس» تکافو خواهند نمود. ولی قریب دو هفته بعد از «دخول» به شهر کابل، روزنامه «دی ویلت» آلمانی زبان، درست بتاريخ ۱۱ اکتوبر خبر می دهد، که «ملیسه های جنگی – طالب بنیادگرای» در مساجد و بازار های افغانستان، به جلب جبری جوانان و نو جوانان آغاز نموده اند، تا در صفوف آنها، در جنگ داخلی اشتراک نمایند. درین گزارش حتی از نام «اطفال» که در جمع این «عسکر گیری شامل بوده اند، تذکر بعمل آمده است.

ختم قسمت ششم

ادامه دارد...